



DC UNIVERSE
REBIRTH

5

TITANS



دورنام
dornname.ir

**WALLY'S
LAST RUN!**

RATED T TEEN DCCOMICS.COM JAN 2017



DC UNIVERSE
REBIRTH

5

THE NEW 52 **TITANS**



ABNETT
BOOTH
RAPMUND
DALHOUSE

من والی وست
هستم، سریع ترین
مرد زنده.

خوب دقیقاً چقدر
سریع؟

نمی تونی همشونو
نجات بدی.

باید انتخاب
کنی کی زنده بمونه؟
و کی بمیره؟

وقتی اولین بار قدرتم رو
به دست آوردم، به خودم
زیاد فشار می آوردم.

می خواستم بدونم
چقدر سریع هستم.

طوری می دیدم که
انگار زندگیم بهش
وابسته بود.

ولی امروز موضوع اصلی
رکورد سرعت یا اثبات
چیزی به خودم نیست.

مهم نیست چقدر سریع
می دوم، فقط باید به
اندازه کافی سریع باشم...

متر و پلیس.

کیستون سیتی.

...چون این زندگی
من نیست که در
خطر ه.

وال...
ریسک نکن!
نمی تونی...

بدو
والی
بدو!

فکر کنم حدود
شش و یک چهارم
ثانیه وقت دارم قبل از
مرگ همشون، نجاتشون
بدم.

لعنت
به شما!

خواهش
می کنم...

هفت هزار مایل در شش
و یک چهارم ثانیه.

از نظر کدبرا غیر ممکنه.

کست سیتی.

GNHHH!

NNN!

خدای
من!

کاتهام سیتی.

THE RETURN OF WALLY WEST PART FIVE RUN FOR THEIR LIVES

dan abnett: writer / brett booth: penciller
norm rapmund: inker / andrew dalhouse: colorist
carlos m. mangual: letterer
booth, rapmund and dalhouse: cover artists
mike choi: variant cover artist
brittany holzner: assistant editor / alex antone: editor
marie javins: group editor

غير ممكنه.

می تونم الان
بکشمش استاد؟
می تونم...

WILDCAT

باید دید.

واو.

و-والی؟

WILDCAT

کار یکیشون تموم شد.
کار آسون روبرومه.

رایین...اولین شاگردی بود که
کدبرا بر اساس نسخه جوانتر
ما ساخته بود.

تازه داشتم سرعت
می گرفتم.

حالا باید قدم های
بزرگتری بردارم.

باید کالیفرنیا
کست سیتی رو
تو اولویت بذارم.

آه.

ننگ!

آآخ!

نایت وینگ و دانا،
تأثیرات ذهنی نور قلبی
داره مغزشونو از کار میندازه.

ولی کسانی که تحت تأثیر قدرت
ذهنی هستند، دوستان من هستند.
باید به جهت ذهنی با هر کدوم از
اونها ارتباط داشته باشم.

اگرچه کدبرا هر کدوم از اونها
رو به یه گوشه از کشور فرستاده.

تو گاتهام، طنابی که دانا رو
آویزون نگه داشته داره می سوزه.
پنج ثانیه تا قطع شدنش وقت دارم.

تو متروپلیس تیرهای تندرو
قلابی به پرواز در اومدند.

عوضی...

HARDLY
HUNDRED FEET
PER SECOND.

ولی من نمی دونم که یه فرد
درجه یک تو کارهای ذهنی
چقدر وقت لازم داره تا ذهن
یه نفرو از کار بندازه.

پس این باید مورد
اول باشه.

چقدر سریع باید عمل کنم؟
سریع از سرعت صوت؟
سریع تر از یه گلوله؟

سریع تر از نور...؟

...سریع تر از جادو؟

تحت تأثیر
قرار گرفتم والاس.
خیلی تأثیر گذاره.

کدبرا!

انکارش کن.

اگه دهنمو باز کنم
اصطحاک باعث می شه
چند پیکو ثانیه وقت تلف بشه.

امیدوارم
باعث تأخیرت
نشم.

باید زمان و
نور رو تحت تأثیر قرار
بدم تا بتونم با تو باشم
و تو گوشت نجوا کنم.

نمایش
فوق العاده ای
ترتیب دادی
پسر!

دنیا باید این
نمایش رو ببینه...

دنیا باید از
شگفتی والی وست
به حیرت بیفته.

POP!

POP!

می بینی؟

اون...
فلشه؟

"تا وقتی شکست
خوردی و من برنده
شدم، تمام دنیای بفهمه
که من از تو
شگفت انگیزترم!"

درسته. همه این کار رو برای شهرت و محبوبیت می کنم.

شاید فکر کنی چه آدم بدبختی ام. شاید اسمشو بذاری خودشیفتگی یا اسم توهین آمیز دیگه ای روس بذاری.

بلاکش کن.

شاید فکر کنی لازمه درمان بشم.

ولی باید بفهمی که من از آینده ای میام که سرد و بی روحه. هیچ چیز اون زمان برای من جالب نیست.

به زمان تو اومدم که شهرت یا بدنامی به دست بیارم.

خفه شو.

و از وقتی اومدم تلاش های منو بی اثر کردی.

با من حرف نزن.

"پس من کاری کردم که محو بشی. من تو رو تو جریان زمان انداختم.

"باید طوری پیش می رفت که انگار تو اصلا وجود نداشتی! مهمترین حقه من!

"ولی جادوی لعنتی برعکس عمل کرد و من هم خودم رو فراموش کردم.

"وقتی از شر کیدفلش خلاص شدم، خودمم هم به هیچ تبدیل شدم.

نه، تو منو به هیچ تبدیل کردی!

ولی الان، تو برگشتی، و بازگشت تو منو بیدار کرده.

پس اینبار والاس، کارمو درست انجام می دم.

"دنیا منو تماشا می کنه که والی وست قدرتمند رو از پا درمیارم، بعد ترس از منو یاد می گیره.

کدبرا در حال
حاضر دشمن واقعی
من نیست.

دشمن من خود
زمانه.

Welcome to
**COAST
CITY**

گذشته. آینده.

آآخ!

نن!

همه چیزهایی
که بودیم.

همه چیزهایی که
احتمال داشت باشیم.

تمام زمانی که از ما
دزدیده شده.

و-والی...؟

دو تا از
چهارتا. بد نیست.

ولی باید
سریع تر حرکت کنی.

سه ثانیه
مونده.

تیرها تو هوا هستند
و نزدیکتر می شن.

رشته هایی از طناب
که شعله ها دارن می خورن.

بلندترین مسیر
در عرض کشور والاس.
غرب تا شرق کشور.

فهمیدی؟
کل مسیر باید
پا بکوبی پسر.

اون تلاش بیشتر
رو پیدا کن. فشار بیار.

از زمانی که برگشتم نیروی
سرعت بیشتری از گذشته
حس می کنم.

مثل بعد تازه ای
از سرعت.

آیا جریان زمان با من کاری کرده؟ آیا سرگردان شدن تو این انرژی های کیهانی منو تغییر داده؟

سریع ترین مرد زنده سرعتش چقدره؟

باید دید.

نمی دارم دوستانم بمیرند.

بهترین دوستانم.

...و زنی که عاشقشم...

...لیندا.

ولی زمان تغییر کرده. اون زندگی ای رو که با هم داشتیم به یاد نیاره.

دیگه منو دوست نداره. و این چیزیه که از همه چیز بیشتر منو به وحشت میندازه...

...می تونم به سمت آینده ای بدون که هرگز وجود نخواهد داشت.

مهم نیست. می رم که نجاتش بدم.

تو این دنیا... یا تو هر دنیای دیگه...

...من دوستش دارم... و همیشه دوستش خواهم داشت.

می دونم که من
دیوونه ام.

”همشونو نجات
می دم“ قول جنون آمیزی
بود که دادم.

وقتی یه فلش بیش
از حد سریع می دوه
اتفاقات بدی می افته.

اینو می دونم...

...ولی برای من مهم
نیست.

اگه دوباره گم
بشم چی؟

اگه در بینهایت سقوط
کنم هرگز نتونم برگردم؟

اگه تا ابد فراموشم
کنند چی؟

مهم نیست.

تا وقتی اونها
زنده باشند.

اینو بهشون
مدیونم.

مهم نیست برای
من چه اتفاقی
می افته...

اگه بتونم گندی
که با برگشتنم به
خونه زدم، پاک بشه.

یکی مونده.



آه....
چی اتفاقی
افتاد؟

فکر کنم...
والی اتفاق افتاد.
خیلی...
سریعتر از چیزی
بود که بشه
گفت...

گاتهام.

لیندا.

بدو.

SNKK!



اوفف!

چه
اتفاقی...

...والی...؟

باید میومدم
لیندا.

تو بودی.

چ-چیکار
کردی؟

من دوستهامو نجات
دادم چون دوستشون
دارم.

من خودمو فدا کردم
چون شما رو بیشتر از
هر چیزی دوست دارم.

ولی نمی تونم اینو
بگم. نمی تونم مسئولیت
اینو رو دوشتون بذارم.

دستمو
بگیر.

KRAKOOON

صبر کن!



نه...

بالاخره
والی وست...

...وقتت
تموم شد.



DC UNIVERSE

REBIRTH

5

TITANS

TM



dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

RATED T TEEN DOCCOMICS.COM JAN 2017